

اقسام و گونه های فقر از منظر نهج البلاغه

حمزه امیری صدر^{۲۹}

تاریخ پذیرش: ۱۶ / ۰۲ / ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۰ / ۰۱ / ۱۴۰۳

چکیده

واژه فقر در قرآن و روایات در معانی متعدد و مصادیق گوناگونی استعمال شده، که در برخی موارد ممدوح و درپاره ای از مواقع مورد مذمت واقع شده است. شناخت معانی مختلف فقر در متون اسلامی و تمایز میان کاربرد های گوناگون آن، برای جلوگیری از برداشت های نادرست از دین امری لازم و ضروری است. تحقیق حاضر که با روش کتابخانه ای و رویکرد تحلیلی انجام شده، درصدد پاسخ به این پرسش است که گونه های فقر از منظر نهج البلاغه چیست؟ از این رو در این تحقیق ابتدا به بیان مفهوم فقر و سپس شناخت گونه ها و اقسام آن از منظر نهج البلاغه پرداخته شده است. شناخت و تفکیک اقسام فقر مادی، فرهنگی و معنوی و فقر های ممدوح و مذموم باعث فهم دقیق تر از متون اسلامی به ویژه نهج البلاغه خواهد شد. شناخت مفهوم، اقسام و گونه های فقر در دین اسلام، زمینه را برای برداشت صحیح از روایات و سخنان معصومین فراهم می آورد. راهکارهایی که ائمه اطهار علیهم السلام در برابر گونه های متفاوت فقر بیان کرده اند با شناخت صحیح مفهوم فقر امکان پذیر است. با فهم و درک مفاهیم و اقسام فقر شخص می تواند از این معضل خود را برهاند و فقر مورد مدح در اسلام را بداند و آگاهانه آن را انتخاب کند و از فقری که مذموم واقع شده دوری کند. جامعه ای که با مساله فقر روبرو است هرگز نمی تواند یک جامعه سالم را بنا نهد. اگر فقر از جامعه رفع نشود، ارزش ها و خوبی ها رفع خواهد شد.

کلیدواژگان: گونه شناسی، نهج البلاغه، فقر، اقسام فقر.

^{۲۹} دانش پژوه سطح ۱ حوزه علمیه قم.



مقدمه

فقر یا تهیدستی یا تنگدستی، وضعیتی است که فرد دارایی مادی یا درآمد کافی برای رفع نیازهای اولیه خود را ندارد فقر می تواند علل و آثار گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را داشته باشد

پیامبر اکرم (ص) در مورد فقر می فرمایند: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کافی ج ۲ ص ۳۰۷). «چه بسا فقر موجب کفر می شود». چراکه فقر زمینه به وجود آمدن انحراف در عقیده، اخلاق، زندگی و... خصوصاً برای افراد کم ظرفیت را به دنبال دارد. و منجر به کفر گویی شخص فقیر شود، زمانیکه فقیر زن و بچه خود را گرسنه ببیند دست به هر عملی میزند؛ آداب، اخلاق، قوانین را زیر پا میگذارد و همه چیز را فراموش می کند و برای رفع فقر خود دست به هر کاری میزند و امید به قضای خداوند را از دست می دهد. البته این احتمال نیز وجود دارد که مراد از کفر در کلام حضرت کفر در عمل باشد که الوده شدن به معصیت است. تعبیر از (الموت الاکبر) اشاره بر این امر دارد که انسان زمان مرگ از مشکلات زندگی فارغ می شود اما فقیر که با فقر دست و پنجه نرم می کند هیچگاه راحت نخواهد شد و عذاب تدریجی دو چندان دارد. پس سزاوار است که انسان همانگونه که در هنگام بیماری، خطر، آفت بدنال دوا و طبیب می رود در زمان فقر نیز برای رهایی از آن تمام تلاش خود را بکند. از آنجا که دین مبین اسلام فقط ناظر به آخرت نیست و به مقدمه ای آن که زندگی در دنیاست نیز اهمیت داده و برای مومن خواستار زندگی ابرومند، با عزت و سربلندی بدون ذلت شده است. و اگر در جامعه ای فقر وجود داشته امر به فقر زدایی کرده و برای آن راهکارهای متعددی بیان کرده است. و از طرف دیگر افراد جامعه را به تلاش و کوشش و سعی در تحصیل روزی حلال کرده و شخص بدون کار و تنبل را بی منزلت می شمرد و کار را یکی از مهم ترین عبادات می شمرد و عمل کارگر در حال کار و استراحت را بمنزله عبادت به حساب می آورد و این عمل او را که برای تامین معیشت خود و عیالش است را کفاره گناهان ذکر می کند. در حدیث دیگر از رسول خدا (ص) اینطور نقل شده که می فرمایند: «إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يُكْفَرُهَا صَلَاةٌ وَلَا صَدَقَةٌ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا يُكْفَرُهَا قَالَ اللَّهُمُّومٌ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ» (بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۵۷).





بعضی از گناهان است که نماز و صدقه و زکات هم نمی تواند آن را جبران کند. عرض داشتند ای رسول خدا! پس چه چیز آن را جبران می کند؟ فرمود: به فکر معیشت و زندگی بودن و برای آن تلاش کردن».

از سویی دیگر به حکومت اسلامی توصیه می کند که مسئله فقرزدایی را در رأس کارهای خود قرار دهد و با استفاده از زکات و خمس و انفال و مال الخراج و مبارزه با احتکار و تعیین قیمت در صورت لزوم و دعوت به ساده زیستن با فقر مبارزه کند. امروز نیز اگر جوامع اسلامی بخواهند عزت و احترام و سربلندی و استقلال خویش را باز یابند باید از طریق همکاری با یکدیگر به استفاده از تمام منابعی که خدا به صورت فراوان در اختیار آنان گذاشته است با فقر مبارزه کنند. و اشاره می کند که خداوند امکانات کافی در روی زمین برای حل مشکل فقر آفریده است حداقل این است که انسان آب و زمینی در اختیار داشته باشد. اگر برای عمران و آبادی و بهره گیری از آن تلاش کند می تواند فقر را از خود دور سازد.

پیشینه

مسئله فقر و رفع آن در جامعه از مسائلی است که از دیر باز مورد توجه پژوهشگران و محققان بوده است و کتب و مقالات متعددی در این باره تألیف شده است که به چند مورد که متناسب با این تحقیق هستند اشاره می کنیم.

۱. فقر و فقرزدایی از منظر امام علی (ع) در نهج البلاغه (انصاری فرد، جواد).

در تحقیق فوق نویسنده به تعریف لغوی فقر و اصطلاحی فقر پرداخته و به علل بروز فقر از قبیل: حکمت الهی، شرایط حاکم بر جامعه، ولخرجی، تصمیم نابخردانه، زمامداران زراندوز، چپاول معاش فقیر، حسد ورزی. و اینکه امام برای درمان فقر چه راه های را عنوان می کند، راه های که عمدتاً منشا از درون آدمی دارد عدم وجود تقوا، ایمان، اخلاق و معنویت، غرور، حسادت و مسایلی از این دست را باعث بروز فقر می داند و با برطرف شدن آنها، فقر نیز درمان می یابد.

۲. انواع فقر و غنی و موجبات آن از نظر اسلام (کتابچی، محسن).

در کتاب مذکور نویسنده به تعریف اقسام فقر و غنی و مواردی که باعث فقر می شود پرداخته و اینکه نظردین اسلام در مورد آن چیست را به قلم آورده است و درصدد پاسخ این سوال است که موجبات فقر چیست؟

۳. عوامل پیدایش فقر، پیامدها و راه‌های مقابله با آن در نهج‌البلاغه (حسینی‌نیا، لیلا).

در مقدمه نویسنده اینگونه آمده است که: فقر در نهج‌البلاغه به عنوان یک پدیده شوم فردی و اجتماعی است و به معنای نداری، کمبود و از جهت برخی مصادیق، نادانی می‌باشد. فقر در نهج‌البلاغه، علت‌های فردی و اجتماعی فراوانی دارد. از جمله علل فردی آن می‌توان به تنبلی و سستی، بیکاری، اسراف و تبذیر، ناسپاسی و کفران نعمت، ترک دنیا و گوشه نشینی و .. اشاره کرد. همچنین از علت‌های اجتماعی آن می‌توان به بی‌عدالتی، توزیع ناعادلانه ثروت جامعه، انحصار سرمایه در دست قشر خاص، مال‌اندوزی حاکمان، مالیات‌های سنگین، بهره نبردن درست از منابع ثروت اشاره نمود. فقر آثار شوم فراوانی در حوزه فردی و اجتماعی از خود بر جای می‌گذارد. از جمله پیامدهای فقر در نهج‌البلاغه؛ از بین رفتن کرامت انسانی، آسیب دیدن دین، ناامیدی شخص فقیر، وابستگی اقتصادی، بی‌اعتمادی جامعه به فقیر، از بین رفتن استعداد های شخص فقیر و ... است. راه‌های مبارزه و درمان فقر از منظر نهج‌البلاغه، پرداخت حقوق الهی برگردن مومنان از جمله زکات و صدقه، کار و تلاش فقیر و عدم یأس او، تقویت فرهنگ انفاق در بین مسلمانان، سامان دادن به ثروت‌های جامعه، برقراری عدالت اجتماعی، اصلاح بازار، کنترل قیمت‌ها و ... می‌باشد.

۴. مقاله انواع فقر و راه‌های مبارزه با آن در نهج‌البلاغه (صادقی نیری، رقیه و مردانی، منیره) نویسنده با اشاره به دیدگاه اسلام نسبت به فقر بیان می‌کند: از دیدگاه اسلام، فقر پدیده‌ای خدادادی، خوشایند و طبیعی نیست تا در برابرش سر تسلیم فرود آوریم و با پیامدهای ناگوار نسازیم در فرهنگ دینی ما، فقر ناهنجارترین دردها و خانمان سوزترین تهدیدها شمرده شده است اسلام، بر تفکر آنان که فقر را محصول مشیت و قضا و قدر الهی می‌دانند، خط بطلان می‌کشد.





نگارنده آورده است: انواع فقر در نهج البلاغه از انواع مختلف و معانی گوناگون آن سخن به میان رفته است که می‌توان به فقر مذموم و غیر مذموم اشاره داشت فقر مذموم: فقری که ناپسند است و باید برای رفع آن مبارزه کرد این نوع فقر به شاخه‌های زیر تقسیم می‌شود: فقر اقتصادی، فقر روحی و معنوی، فقر فرهنگی علمی، فقر واقعی است، فقر غیرمذموم: فقر به معنای سادگی گاهی منظور از آن، یک نوع سادگی در زندگی و مبارزه با تجمل‌پرستی، همراه با آزادگی و بیداری است. از مسائل فکری و عقیدتی نادرستی که زمینه درونی فقر و محرومیت را می‌سازد و رویارویی با آن را غلط و ناممکن جلوه می‌دهد نسبت دادن فقر است به عوامل طبیعی و کمبود مواد زمین و سلب مسئولیت از انسانها و سیستم و نظام اجتماعی است راه‌هایی که می‌توان فقر را از بین برد عبارتند از: صدقه، قناعت، صلہ رحم، تنظیم خانواده، کار است. اهمیت دادن به تأمین زندگی مادی مردم به عنوان مقدمه ضروری زندگی معنوی و حیات تکاملی در رأس تعالیم انبیاء بوده است پیامبران دعوت به خداپرستی را با دعوت به عدالت‌گستری توأم انجام می‌داده‌اند و این دو رکن حیات معنوی و مادی را از هم جدا نمی‌دانسته‌اند.

خلاصه اینکه در کتب و مقالات فوق نویسندگان اختصاصا به گونه شناسی فقر از منظر نهج البلاغه نپرداخته و بیشتر به تعریف مفهوم فقر، آثار فقر، راه‌های مقابله با فقر، عوامل و آثار آن از دیدگاه اسلام، قرآن و روایات پرداخته‌اند و تمرکزشان به فقر زدایی بوده است لیکن در این تحقیق که به گونه شناسی فقر از منظر نهج البلاغه اختصاص دارد و نویسنده در پی پاسخ به این سوال است که (اقسام و گونه‌های فقر از منظر نهج البلاغه چیست)؟ که تفاوت آن با سایر کتب واضح است.

مفهوم شناسی

فقر در قرآن

اصل فقر در لغت، یعنی کسی که مهره‌ی پشت او شکسته باشد؛ یعنی دچار حادثه‌ای شده و مهره‌اش شکسته است. فقر به معنای ناتوانی انسان از تأمین ابتدایی‌ترین امور زندگی، یکی از آفات زندگی اجتماعی است؛ زیرا با توجه به انبوه نعمت‌های خدادادی، همه انسانها می‌بایست به طور طبیعی توان برآوردن نیازهای ابتدایی خود را داشته باشند.

با این همه به عللی چون زیاده خواهی، ظلم و تجاوز به حقوق و منافع از سوی برخی از انسانها، عدم توزیع مناسب منابع تولید و انحصار طلبی برخی در آن، عدم توزیع مناسب ثروت و اموری از این دست، برخی از انسانها از ابتدایی ترین حقوق خود یعنی تامین نیازهای ضروری زندگی بازمانده اند. وجود فقر در هر جامعه ای بیانگر روابط ناسالم در آن جامعه، ظلم و بی عدالتی و فقدان ایمان واقعی است؛ زیرا با ایمان واقعی و عمل به آموزه های عقلانی و وحیانی، انسان ها به گونه ای رفتار می کنند که هیچ گونه نشانه ای از بی عدالتی در جامعه باقی نمی ماند، چرا که بی نیازان از دارایی خویش حق بینوایان را نپرداخته و در حق ایشان ظلم کرده و بی عدالتی روا داشته اند که ایشان در فقر زندگی می کنند. از این رو امیر مومنان علی (ع) می فرماید: ما جاع فقیر الا بما منع غنی؛ هیچ فقیری گرسنه نماند مگر آن که توانگری از دادن حق او ممانعت کرد. (نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ص ۱۲۴۲). این گناه ثروتمندان است که با ظلم و عدم پرداخت حقوق بینوایان و فقیران، مردم را در گرسنگی، نیازمندی و احتیاج نگه می دارند و حق ایشان را نمی دهند.

اقسام و گونه های فقر در قرآن

فقر به معنای ناداری و نیازمندی در ابعاد و زمینه های گوناگون زندگی آدمی، مفاهیم مختلفی را دربر می گیرد و دارای درجاتی است که به چند مورد اشاره کنیم:

۱. فقر ذاتی

بر اساس فرهنگ ادیان آسمانی و دیدگاه عرفا و فلاسفه الهی، جز خداوند همه موجودات جهان فقیر و نیازمندند. این نیاز و حاجت در همه جهات برای انسان تا زمانی که در دنیا هست موجود می باشد و بلکه در همه موجودات این حاجت و نیاز هست. خداوند تنها موجود بی نیازی است که از توانگری

ذاتی برخوردار است. چنان که در قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره رفته است: «یا

أیها الناس أنتم الفقراء إلى الله و الله هو الغنی الحمید» (فاطر. ۱۵)

«ای مردم شما همگی نیازمند خداید، تنها خداوند است که بی نیاز و شایسته ای هر

گونه ستایش است..»



۲. فقر اقتصادی

اسلام مسئله فقر را به صورت یک واقعیت نگریسته، واقعیتی که حتی المقدور به جنگ آن باید رفت. برای شناختن موضع اسلام نسبت به فقر، معتبرترین مدرک همان آیاتی است که در قرآن مورد بحث قرار گرفته است. قرآن کریم برای فقر، واژه‌هایی مانند فقر، فقیر، فاقره، مسکین، مسکنة، ضعیف و مستضعف، را به کار برده است.

۳. فقر اختیاری

شک نیست در تمام جوامع، انسانی از خود گذشته و فداکار دیده می‌شوند که همه چیز خود را در راه صلاح و اصلاح جامعه فدا می‌کنند. افرادی که عمر خود و تمام نیروهای خداداده را وقف رفاه و هدایت دیگران می‌کنند و توقع هیچ گونه پاداش و حتی انتظار تقدیر و تشکر نیز ندارند. این گونه افراد نه از روی تنبلی و ناتوانی بلکه از روی اختیار و اراده فقر را برگزیده‌اند و با اینکه از هرگونه امکان مادی و معنوی برخوردارند لکن تمام این امکانات را در مسیر منافع عمومی به کار می‌برند. در قرآن کریم در وصف این افراد آمده است: «و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمأ و اسیراً». (انسان/۹) و در آیه ۹ سوره حشر این نوع فقر روشن تر بیان شده است: هر چند به چیزی نیازمند باشند باز مهاجران را بر خویش مقدم می‌دارند و جانشان به کلی از بخل و حسد و حرص دنیا پاک است.

۳. فقر فرهنگی

فرهنگ معنایی گسترده دارد و ابعاد وسیعی از زندگی انسان‌ها را شامل می‌شود. اما آنچه به نام فرهنگ در اینجا مد نظر است و فقر فرهنگی بدان اطلاق می‌شود، عبارت است از بی‌خردی، بی‌سوادی، اعتقادات خرافی، پرسش‌های غیر عقلانی، کاستی عشق محبت و فزونی بغض و کینه و امثال آن. در تمام این موارد کمبودها و نیازهایی در انسان احساس می‌شود و فقر فرهنگی را شکل می‌دهد.

فقر در نهج البلاغه

واژه فقر در نهج البلاغه نیز مانند قرآن در معانی و مصادیق مختلف به کار رفته است. در اینجا از باب نمونه به سخنی از امیر بیان در نهج البلاغه اشاره می‌کنیم:



امام علی(ع) در نهج البلاغه تعبیر زیبایی از فقربیان کرده و می‌فرماید: «الْغِنَى وَ الْفَقْرُ بَعْدَ الْعَرَضِ عَلَى اللَّهِ».. (نهج البلاغه، حکمت، ۴۵۲)

غنی و فقر بعد از عرضه بر خداوند متعال آشکار می‌شود. غنی در حقیقت بمعنای عدم نیاز و فقر بمعنای نیاز است که در برخی موارد جنبه مادی و در موارد دیگر جنبه معنوی دارد؛ مثلاً. غنی مادی: وجود ثروت، مال، جاه و مقام، فن و هنر که همگی زودگذر و فانی است و در همین زندگی چند روز دنیا از آن بهره میبرد و همیشگی نیست.

اقسام و گونه های فقر در نهج البلاغه

پیش از آنکه به طور تفصیلی به بیان گونه های فقر در نهج البلاغه بپردازیم ، موارد استعمال فقر و مشتقات آن و کلمات مترادف و متضاد آن را در جدول زیر ارائه کرده ایم. با مراجعه به معجم المفهرس های گوناگونی که درباره نهج البلاغه نوشته شده این جدول تهیه و تنظیم شده است و با مراجعه به ترجمه و شرح ، نوع فقری که در کلام امام آمده مشخص شده است. در ادامه به شکل تحلیلی هر یک از اقسام و گونه ها توضیح داده می‌شود.

ردیف	منبع	کلمه	عبارت	اقسام
۱.	خ ۲	فَقْرِي	ولايئل من عاءاء ولايفتقر من كفاه	فقر معنوی
۲.	خ ۸۲	فَقْرًا	الدنيا ومن افتقر فيها حزن	فقر مادی
۳.	خ ۲۱۵	فَقْرًا	اللهم انى اعوذ بك ان أفترقنى غناك	فقر مادی
۴.	خ ۱۱۰	فَقْرًا	حج البيت واعتماره فانهما ينفیان الفقر	فقر مادی
۵.	خ ۱۲۹	فقير	فهل تبصرالافقيرا يكابدفقرا	فقر مادی
۶.	خ ۲۰۹	فقره	كيلايتبيغ بالفقير فقره	فقر مادی
۷.	خ ۲۲۴	فقرهم	ورایت صبيانه عقيل غبرالالوان من فقرهم	فقر مادی
۸.	خ ۱۰۹	فقير	الله تعالى، غنى كل فقير وعز كل ذليل	فقر معنوی
۹.	خ ۱۴۲	الفقير	فمن آتاه الله مالا.. وليعط منه الفقير والغارم	فقر مادی
۱۰.	خ ۹۱	فقيرها	ليختبر بذلك الشكر والصبر من غنيها وفقيرها	فقر مادی





فقر مادی	ولایعول غنیهم فقیرهم	فقیرهم	خ ۲۳۳	۱۱.
فقر مادی	وبؤسی لمن خصمه عندالله الفقراء	الْفُقراء	نامه ۲۶	۱۲.
فقر مادی	فتنته بنی امیه و فقراؤه أمواتا	فقراؤه	خ ۱۰۸	۱۳.
فقر معنوی	واجتبتوا کل امراکسر فقرتهم	فقرتهم	خ ۱۹۲	۱۴.
فقر مادی	تنظر الا فقیرا یکابد فقرا	فقراً	خ ۱۲۹	۱۵.
فقر معنوی	رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر	فقیر	خ ۱۶۰	۱۶.
فقر مادی	فما جاع فقیرالا بمامن غنی	فقیر	ح ۳۲۸	۱۷.
فقر مادی	ولامن فقر و حاجه الی غنی	فقر	خ ۱۸۶	۱۸.
فقر مادی	والفقریخرس الفطن عن حاجته	فَقْرُ	ح ۳	۱۹.
فقر فرهنگی	اکبرالفقرالحق	فقیر	ح ۳۸	۲۰.
فقر فرهنگی	لاغنی کالعقل و لافقر کالجهل	فقر	ح ۵۴	۲۱.
فقر فرهنگی	الفقرالموت الاکبر	الفقر	ح ۱۶۳	۲۲.
فقر فرهنگی	الغنی و الفقر بعدالعرض علی الله	الفقر	ح ۴۵۲	۲۳.
فقر فرهنگی	فانظرايهاالسائل	سائل	خ ۹۱	۲۴.
فقر مادی	بؤسی لمن خصمه والمساکین والسائلون	السائلون	نامه ۲۶	۲۵.
فقر مادی	لانه الجوادالذی لا یغضیه سؤال السائلین	السائلین	خ ۹۱	۲۶.
فقر مادی	فی الزکاء... الی اهل المسکنه و الفقر	المسکنه	خ ۱۹۲	۲۷.
فقر معنوی	اللهم.. لا یجبرمسکنتهاالافضلک	مسکنتها	خ ۹۱	۲۸.
فقر مادی	ان المسکین رسول الله فمن منعه.منعه الله	مسکین	ح ۳۰۴	۲۹.
فقر مادی	ونریدان نمن علی الذین استضعفوا	استضعفوا	ح ۲۰۹	۳۰.
فقر معنوی	ولایقع اسم الاستضعاف علی من	استضعاف	خ ۱۸۹	۳۱.
فقر مادی	وکان ضعیف مستضعفا	مستضعفا	ح ۲۸۹	۳۲.
فقر مادی	فی انفسهم باولیائه المستضعفین	مستضعفین	خ ۱۹۲	۳۳.
فقر مادی	متاع الدنیا..واعین من غنی عنها بالراحه	غنی	ح ۳۶۷	۳۴.

غنی فرهنگی	ان أغنى الغنى العقل	اغنى	ح ۳۸	۳۵
فقر معنوی	اللهم انى اعوذبك... فى غناك	غناك	خ ۲۱۵	۳۶
غنی مادی	فتواضع له لغناه ذهب ثلثا دینه	غناه	ح ۲۲۸	۳۷
غنی مادی	وقدرالرزاق...من غنیها وفقیرها	غنیها	خ ۹۱	۳۸
غنی مادی	وامالالاغنیاءمن مترفه الامم	الاغنیاء	خ ۱۹۲	۳۹

۱. فقر فرهنگی

فرهنگ در واژه شناسی زبان فارسی از دو بخش فر و هنگ به معنای علم، دانش، عقل و خرد، ادب، تدبیر، تربیت و آداب و رسوم تشکیل شده است. (معین، محمد. فرهنگ فارسی معین).

«ادوارد بارنت تایلور»؛ انسان شناس اهل بریتانیا، فرهنگ را مجموعه ای از اعتقادات، هنرها، اخلاق یا هرگونه قوانین تعریف می کند که انسان به عنوان عضو جامعه آن را کسب می کند. از آنجا که فرهنگ به اعتقاد بیشتر کارشناسان و صاحب نظران مسائل اجتماعی، اساس و زیربنای هر جامعه ای را تشکیل می دهد. و هر چقدر فرهنگ یک جامعه موثرتر و کارآمدتر باشد پیشرفت آن جامعه در مسیر رشد و تعالی بیشتر خواهد شد؛ بنابراین فقر فرهنگی به عنوان یک عامل بازدارنده می تواند جامعه را به سمت فقر و انحطاط بکشانند، و از دستیابی به اهداف والا و تکاملی بازدارد.

گفتیم که فرهنگ دارای معانی متعدد است که به چند مورد آن اشاره می کنیم تا مشخص شود که نهج البلاغه چه تعبیری از آن برده است و وجود یا عدم آن چه تاثیری در فرد دارد:

۱. عقل و خرد ۲. آداب و رسوم ۳. ادب ۴. تدبیر ۵. علم ۶. تربیت.

۱. عقل و خرد: حضرت علی (ع) نکته مهم در مورد عقل را در نهج البلاغه اینگونه بیان می کند: «الْحِلْمُ غَطَاءٌ سَاتِرٌ وَ الْعَقْلُ حَسَامٌ. خَلَلَ قَاطِعٌ خُلِقَ بِحِلْمِكَ وَقَاتِلَ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ». (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۴).





« بردباری پرده‌ای است پوشاننده، و عقل شمشیری است بر آن، پس کمبودهای اخلاقی خود را با بردباری بپوشان، و هوای نفس خود را با شمشیر عقل بکش.» هر شخصی اگر بخواهد خود را از خطر دور نگاهدارد نیازمند به دو چیز است: ۱. وسیله ای که مثل زره شخص را از خطر بپوشد و حفظ کند. ۲. وجود سلاحی که از خود دفاع کند که امام علی (ع) از این دو وسیله به بردباری و عقل تعبیر کرده اند که در هنگام فقر باید از آن استفاده کرد. ۲. آداب و رسوم: آداب و رسوم شامل شیوه های زندگی، عادات و رسوم خاص یک ملت، مردم و یا یک جماعت می شود. آداب و رسوم همچنین دارای ابعاد الزام و رضای عمومی شرکت کنندگان در حیات اجتماعی نیز هست

۳. تدبیر و دور اندیشی: امام علی (ع) در بیان تعریف دوراندیشی می فرماید: الحزم، النظر فی العواقب و مشاوره ذوی العقول». (مدی، ابوالفتح، غررالحکم، ح ۱۹۱۵)
 (دوراندیشی، نگاه کردن به عاقبت های کار و مشورت کردن با خردمندان است. مهم ترین ملاک در آینده نگری، اعتدال است).

۴. تربیت: معنای تربیت در یک عبارت اینست: «روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر، طوری که این روش، ملکه ذهن او شود.» کسی را تربیت کردن یعنی این که روش رفتاری و گفتاری به وی یاد داده شود.

۵. علم: معنای اصلی و نخستین علم، دانستن در برابر ندانستن است. حضرت علی (ع) در فضیلت

علمای فرماید: علما بوسیله قرآن حقایق عالم را درک می کنند، و بدون آنها این حقایق فهمیده نمی شد چراکه سرچشمه فهم مردم از قرآن اند و این علم را از قرآن گرفته و هرکس که طالب حق باشد به سوی آنها می رود و مطالب حق را از آنها دریافت می کند و آنها اولیاء خدا هستند (نهج البلاغه. حکمت ۴۳۲)

۶. ادب: قیمتی ترین سرمایه ها و میراث های حیات آدمی «ادب» است، حتی بالاتر از ثروت و سرمایه است. ادب را جایگاه رفیعی در قاموس انسانیت است. در بر خورد ها چیزی به زیبایی و جذابیت ادب نمی رسد. باید آن را آموخت، به کار بست تا روابطی سالم و احترام آمیز و پایدار میان افراد حاکم شود. حضرت در این باره می فرماید: برای

این که ادب داشته باشی همین بس که از آنچه برای دیگران نمی پسندی دوری کنی. (دشتی محمد، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۴۱۲).

۲. فقر مادی

فقرمادی یا تنگدستی، وضعیتی است که فرد دارایی مادی یا درآمد کافی برای رفع نیازهای اولیه خود را ندارد، که می تواند علل و آثار گوناگونی داشته باشد. امام علی (ع): قَالَ (عليه السلام): أَلَا وَ إِنَّ مِنْ أَلْبَاءِ أَلْفَاقَةٍ، وَ أَشَدُّ مِنْ أَلْفَاقَةٍ مَرَضُ الْبَدَنِ، وَ أَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ؛ أَلَا وَ إِنَّ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ. «نهج البلاغه. حکمت ۳۸۸».

یکی از بلاها و بدبختی‌ها فقر مالی است، و از فقر بالاتر و سخت‌تر بیماری تن است که آدمی علیل و مریض بوده باشد، و از بیماری تن سخت‌تر و بدتر بیماری روح و روان است که آدمی گرفتار امراض روحی بوده باشد، مبتلا به عجب و خودپسندی یا حسادت یا عناد و لجاج یا بخل و خست و تنگ‌نظری یا ترس و جبن و امثال اینها بوده باشد. کسی که گرفتار فقر و نداری می شود ممکن است آلوده به گناهان زیادی مانند: سرقت، خیانت، سخنان کفرآمیز، ناشکری و ناسپاسی و... که از عوارض مادی و معنوی فقراند شود؛ البته داشتن ثروت و اموال در دسر های خود را دارد؛ امام علی (ع) «در باره رابطه ثروت با شهوت کرده می فرماید: (الْمَالُ مَادُ الشَّهَوَاتِ)». «نهج البلاغه، حکمت ۵۸». (مال و ثروت ماده اصلی همه شهوات اندست).

بدیهی است که منظور از شهوت در اینجا هر گونه علاقه مفرط نفسانی و هوس آلود

است.».

۳. فقر معنوی

اگر آدمی از بعد معنوی و روحانی وجود خویش غفلت کند و حقیقت وجودی خویش و اصالت خود را فراموش کند دچار فقر معنوی می شود. بنابر این، آدمی از وظیفه دارد تا در خصوص افکاری که می خواهد به ذهن خود وارد کند، مراقبت نماید و مسئولین اجتماع نیز از آن جهت که مدیر و مسئول جامعه اند، وظیفه دارند که مراقب غذای روحی اجتماع باشند. در همین راستا است که امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: مردم معمولاً در





غذای جسمانی خود سختگیرند جز در پرتو نور چراغ دست به سفره نمی برند، و جز با چشم باز لقمه بر نمی گیرند، از غذاهای مشکوک می پرهیزند، و بعضی هزار گونه نکات بهداشتی را در تغذیه جسم رعایت می کنند اما در غذای جان، با چشم بسته، در لابه لای ظلمت های بی خبری، هرگونه غذای فکری مشکوکی را در درون جان خود می ریزند. (مکارم شیرازی، ناصر. یکصد و پنجاه درس زندگی، ص ۱۳).

عوامل و ریشه های فقر معنوی عبارتند از:

۱. آرزوهای دور و دراز که سبب می شود خود را همیشه نیازمند ببیند.

۲. وابستگی به دنیا که انسان را گرسنه نگه می دارد.

۳. فراموش کردن آخرت

امیرالمؤمنین «علیه السلام» می فرماید: «فقر نفس بزرگ ترین بلاست.»

در روایت دیگر می فرماید: (شرالفقر، فقرالنفس). «آمدی، عبدالواحد. غررالحکم و

دررالكلم، ج ۱، ص ۴۴۶، ح ۵۰، ۵۱.»

«بدترین فقر و ناداری آن است که انسان از نظر روحی و معنوی، فقیر باشد.»

ریشه تمام ارزش های اخلاقی ایمان به خداست و این ایمان بر معرفت و شناخت خداوند مبتنی است و هر چه این معرفت کامل تر و زنده تر باشد، آن ایمان نیز بارورتر و کامل تر بوده و انسان برخوردار از آن، سعادت مندتر خواهد بود. فقر معنوی نشانه ها و مصادیقی دارد در کسانی که به آن مبتلا می شوند نمود پیدا می کند و از وجود نشانه ها به فقر معنوی افراد پی برده می شود. از اصلی ترین نشانه های فقر معنوی: احساس بی هویتی، بی تقوایی، هوی پرستی و طغیان گری، اخلاق زشت، فقر در تربیت و ادب، فقر علمی و فکری، تعصب باطل. حسادت ورزیدن. طمع کردن، پیروی از هوای نفس، محبت دنیا، سطحی نگری و دیگر رذایل اخلاقی از فقر معنوی سرچشمه می گیرند.

تفاوت فقر مادی با فقر فرهنگی و معنوی

۱. فقر فرهنگی و معنوی بالاتر از فقر مالی و اقتصادی است، زیرا با داشتن ثروت روحی

و فکری و اخلاقی و معنوی می توان فقر مالی و اقتصادی را علاج کرد، ولی با وجود فقر

روحی و معنوی، بی‌نیازی مالی سودی ندارد و ممکن است بر ناراحتی و شقاوت انسان بیفزاید.

۲. انسان از فقر و کمبود طبعاً گریزان است. اگر احساس نقص و فقر در یک گوشه زندگی خود می‌کند، تا حد امکان تلاش می‌کند که آن نقص را تکمیل و آن فقر را برطرف سازد چیزی که هست نقص‌ها و فقرهای مادی خیلی واضح و محسوس است. برخلاف فقرها و نقص‌های روحی و معنوی که خیلی محسوس و ملموس نیست. فقر مالی را همه کس حس می‌کند و به طور طبیعی تلاش می‌کند که با این نوع فقر مبارزه کند و گاهی این تلاش به حد افراط می‌رسد و به صورت حرص و طمع در می‌آید. امام علی (ع) می‌فرماید: «چرا مردم اگر در شب تاریک آنها را بر سر سفره‌ای بنشانند، تا چراغ را روشن کنند، دست به غذا دراز نمی‌کنند، و اما اگر بر سر سفره فکری بنشینند، هیچ در اندیشه نمی‌شوند که چراغ عقل را روشن کنند تا با چشم بصیرت ببینند این غذای روحی که وارد روحشان می‌شود چه نوع غذایی است.» (قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۸۴).

نتیجه گیری

فقر به معنای ناداری و نیازمندی در ابعاد و زمینه های گوناگون زندگی آدمی، مفاهیم مختلفی را دربر می‌گیرد و دارای درجاتی است. از قرآن و نهج البلاغه روشن شد که فقر دارای اقسام و گونه های متفاوتی من جمله؛ فقر مادی، معنوی، فرهنگی، ذاتی، اختیاری و... است که هرکدام معایب مختص به خود را دارد و اگر مردم بدان گرفتار شوند ممکن است سر از ناشکری و کفر درآورند چنان که در فقر معنوی اینگونه بود. در هر صورت اگر شخص خود را محتاج خداوند بداند و در رفع نیازهای خود تلاش کند جای برای فقر در زندگی او نیست اما اگر سر به شکایت و عدم تلاش و ناشکری بگذارد به کفر می‌انجامد و تنها با قناعت است که میتوان خود را از آن راهی بخشید.



فهرست منابع

*قرآن

*نهج البلاغه

۱. آمدی، ابوالفتح، غررالحکم و دررالحکم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵.
۲. انصاری فرد، جواد، فقر و فقرزدایی از منظر امام علی (ع) در نهج البلاغه، نشریه فرهنگ یزد، زمستان ۱۳۸۳.
۳. حسینی نیا، لیلا، عوامل پیدایش فقر، پیامدها و راه‌های مقابله با آن در نهج البلاغه، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴. صادقی نیری، رقیه، انواع فقر و راه‌های مبارزه با آن در نهج البلاغه، مجموعه مقالات همایش ملی نهج البلاغه و علوم انسانی. بی‌تا.
۵. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، انتشارات هادی مجد، بی‌جا، ۱۳۷۹.
۶. فیض الاسلام، سید علی نقی چاپخانه سپهر، تهران، ۱۳۶۵ ق.
۷. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
۸. کتابچی، محسن، انواع فقر و غنی و موجبات آن از نظر اسلام، میثم تمار، بی‌جا، بی‌تا.
۹. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت. بی‌تا.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امیرالمومنین (ع) دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵.
۱۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، موسسه انتشاراتی امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۱.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، یکصد و پنجاه درس زندگی، ناشر نسل جوان، ۱۳۹۳، قم.

